

## گزارش یک زندگی

پروین بختیاری نژاد در سال 1341 در قزوین چشم به جهان گشود. بعد از انقلاب در حالی که دانش آموز دبیرستان بود همچون عموم همسالان خود پا به عرصه فعالیت های سیاسی گذاشت. شریعتی آرمان نسل انقلاب او را نیز به خود جذب کرد و او به شکل پیشتازان که در آن دوران در قزوین اندیشه های شریعتی را تبلیغ و ترویج می کرد.

همزمان او در فعالیت های دانش آموزی در دبیرستان صدیقه رضایی قزوین و نیز در برنامه های جلسات ایدئولوژیک - سیاسی و اجتماعی همچون کلاس های آموزشی، کوهنوردی و ... شرکت می کرد.

-بعد از 1360 با ورود به فضای جدید پیشتازان و پروین نیز به فاز فعالیت های نیمه علنی و نیمه مخفی وارد شدند. او در این فضا در سال 1363 با رضا علیجانی که او نیز در آن شکل عضویت داشت ازدواج کردند و سال بعد نخستین فرزند آن دو به دنیا آمد و زوج جوان با یاد پایگاه معلم شهیدشان حسینیه ارشاد نام فرزند نودیده به جهان را ارشاد گذاشتند.

ارشاد یک ساله بود که اعضای پیشتازان -موحدين از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند، پروین و همسرشان نیز جزو بترداشت شدگان بودند. پرچه مدت بازداشت پروین چندان طولانی نبود و او به همراه فرزندش بعد از مدتی از زندان بیرون آمدند.

با باز شدن نسبی فضای سیاسی در نیمه دهه 1370 پروین به همراه همسرش در عرصه فرهنگی شروع به فعالیت کرد. ایران فردا، و دیگر نشریات و روزنامه های آن دوران جایی برای ارائه نظر و عرصه ای برای حضور پروین در این دوران بود و در پایان آن دوران بود که نیایش دومین فرزند پروین و رضا نیز به دنیا آمد.

در دهه 1380 فعالیت های پروین به لحاظ کیفی توسعه یافت و او با روی آوردن به پژوهش های میدانی در حوزه زنان و انتشار دو جلد کتاب با محوریت خشونت علیه زنان شامل: زنان خود سوخته ۸۷، قتل های ناموسی ۸۹ (در استکهلم) و همچنین موانع شکل گیری سازمان های غیردولتی (NGO) در این عرصه حضور یافت.

در سال 1388 بعد از شکل گیری جنبش سبز و تغییر فضای سیاسی کشور بار دیگر برخی از نیروهای سیاسی را مجبور به مهاجرت به خارج از کشور کرد. پروین نیز به همراه همسر و دو فرزندش به فرانسه رفت.

اما او بعد از قریب هشت سال حضور در فرانسه که با بیماری و تن سپردن به تیغ جراحان همراه بود، تصمیم به بازگشت گرفت و به رغم آن که می دانست این بازگشت چندان آسان نخواهد بود راهی ایران شد.

- ولی پروین این بار زندگانی را به گونه ای دیگر می دید. برخی ناکامی ها موجب شد تا چشمانش به عرصه های دیگر زندگانی باز شود و اتفاقاً جهان را این بار زیباتر ببیند و البته این نشد مگر به یمن حمایتی که از سوی دوستانش در ایران روی داد. به شهادت کسانی که یک سال بعد از مهاجرت را با او همراهی کرده اند، پروین این بار با کوله باری سبکبارتر از گذشته قدم برمی داشت و زیبایی های جهان را به گونه ای دیگر می دید، شادتر بود و امیدوارانه آینده را با رویکردی نوین دنبال می کرد.

در ایران پانزده ماه را نه چندان آسان گذراند. به قول اخوان ثالث :

برون سرما

درون این آتش جوع که به ارکان ما افکنده پنجه

بیماری از یک سو، تنهایی از سوی دیگر و احضار ها و پاسخ دادن به سوالات از سوی دیگر را تنها پانزده دوتا ماه دوام آورد و روز 18 مهر 1396 از جهان خاک پرکشید و رفت.

روز پیش از مرگش دادگاه او را به شش سال زندان محکوم ساخته بود. پنج سال برای اجتماع و تبانی و اقدام علیه امنیت ملی و يك سال برای تبلیغ علیه نظام. و او هیچگاه فرصت نیافت تا زیر آن برگه را امضا نماید چون در پرده آخر حکم پرواز و رهایی اش صادر شده بود.